



زنان و آسیب‌های اجتماعی

زنان

قربانیان آسیب‌های جامعه‌اند

گردآوری و کفایت وگو: رضوان راهدی
تألیف گزارش: کتابون مصری
مکس‌ها، مرضیه موسوی

شرح گزارش

آنچه پیش رو دارید، گزارشی است از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی مرتبط با زنان یعنی فحشا و فرار که کارشناسان سازمان بهزیستی کشور به بررسی آن می‌پردازند.

در این گزارش، وضعیت فحشا و سپس فرار دختران به عنوان بستری که می‌تواند زمینه‌ساز فحشا باشد بررسی خواهد شد و سپس اقدامات سازمان بهزیستی و مشکلات و تنگناهای این سازمان در حل مشکلات اجتماعی زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. معرفی دو مرکز اورژانس اجتماعی یا «۱۳۳» و صدای مشاور یا «۱۴۸» از مهم‌ترین اقدامات سازمان بهزیستی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است که در این گزارش معرفی خواهد شد. همچنین بررسی اجمالی وضعیت زنان سرپرست خانوار که به دلیل نبود برابری جنسیتی در عرصه اشتغال و اجتماع آن‌ها را در معرض آسیب قرار می‌دهد از بخش‌های دیگر گزارش است. در پایان نظر کارشناسی دو تن از

صاحب‌نظران مسائل اجتماعی و حقوقی دکتر ناهید مطیع و اشرف گرامی‌زادگان در مورد محورهای گزارش طرح و بیان می‌شود:

بلوار کشاورز، صبح یک روز بهاری ...

نگاهش به اطراف می‌چرخد، زیر تیغ آفتاب، چشمان سبزرنگش برق می‌زند، همین‌طور پارچه زریافت روسری قرمز رنگش، کمی نگران به نظر می‌رسد؛ می‌پرسد: «خانم ببخشید، ساعت دارید؟» انگار که رشته افکارش پاره شده، به خود می‌آید و تند و تیز به طرفم برمی‌گردد. تازه می‌فهم پشت لنز چشمان و آرایش غلیظ صورتش، دخترکی است که به سختی ۱۷ سال از عمرش سپری شده، که با صدای کودکانه‌ای می‌گوید: «ده ربیع»، چند قدمی فاصله می‌گیرم در حالی که هنوز به چشمانش خیره مانده‌ام. او دیگر مرا نمی‌بیند، بی‌اعتنا به خودروی سفیدرنگی که برایش چراغ می‌زند، روی می‌گرداند و لبخند به لب و خرامان به آن سو می‌رود، جوانکی پشت فرمان

منتظر اوست. با عشوه‌ای کودکانه سوار می‌شود و صدای چرخش لاستیک‌ها بر روی آسفالت با موزیک تند داخل ماشین در گوش عابران می‌پیچد، آن‌ها دور می‌شوند...

خیابان کریم خان زند

عصر یک روز بهاری ...

پیاده که می‌شود، با یک دست عینک آفتابی و بادست دیگر حریر روی سرش را مرتب می‌کند، موهای شرابی رنگش زیر تیغ آفتاب برق می‌زند. دکمه‌های مانتو را می‌بندد و آرام در طول خیابان حرکت می‌کند. موتورسواری به او نزدیک می‌شود و چیزی می‌گوید، جواب نمی‌دهد، دو جوان با خودروی شیکی از کنارش می‌گذرند، راننده نیش ترمزی می‌زند و بعد بوق و چراغ ... اما او به حرکتش ادامه می‌دهد؛ دنبالش می‌روم، طوری راه می‌رود که توجه عابران را به خود فرا می‌خواند، موتورسوار برمی‌گردد، بانوک کفش ضربه‌ای به ... او می‌زند، هتاک می‌کند، مثل ماده گرگی به سمت موتورسوار حمله می‌برد و با کیف دستی به صورت مرد میانسال می‌کوبد؛ مردم می‌رسند، دور آن‌ها را می‌گیرند و هرکس چیزی می‌گوید: "بابا من اینو می‌شناسم"، این حالش خوب نیست، "آخه زن مجبوری این قدر آرایش کنی"، "لابد خودش کاری کرده" و ... صدای زنانه‌ای می‌گوید: "این جور زنارو باید گذاشت سینه دیوار". و من دور از آن جمع می‌پرسم: "آیا مرد موتوری را کسی مجازات می‌کند؟ هیچ کس صدای مرا نمی‌شنود."

پارک لاله، غروب یک روز بهاری ...

گرگ و میش هواست، روی نیمکت رنگ و رو رفته‌ای نشسته، سال هاست که به همه‌ی نیمکت‌های رنگ و رو رفته بوستان‌های شهر سر می‌زنی؛ ناخن‌های بلند قرمز رنگ و سیگاری که لابه‌لای انگشتانش به انتهایرسیده و او آخرین پک را به آن می‌زند. دود سیگار پهنای صورتش را می‌پوشاند. دخترک نوجوانی به او نزدیک می‌شود، چیزی در گوشش می‌گوید و او با انگشت طرفی را نشان می‌دهد. دخترک لبانش را به هم می‌مالد و روسری‌اش را عقب می‌کشد و راه می‌افتد. زن همان‌جا نشسته چروک زیر چشمانش حتا با رنگ طلائی موهایش پنهان نمانده؛ می‌ترسم نزدیک شوم و چیزی بپرسم، فقط نگاهش می‌کنم، او به دور شدن طعمه‌اش که برای مرد میانسال آن خیابان فراهم کرده، نگاه می‌کند و در حالی که دندان‌های زرد رنگش،

چشمان بی‌حالت و خون‌گرفته‌اش پشت رنگ و روغن غلیظی پیداست، سیگار دیگری بر لب می‌گذارد و کبریت می‌کشد ...

"فحشا" از آن جرایم زنانه‌ایست که کم‌تر کسی حاضر است از تابوی آن بگذرد و آن را به عنوان آسیب اجتماعی مورد بررسی قرار دهد. بحث از فحشا و پدیده روسپی‌گری، بیش از آن که عمل خلاف عفت عمومی یا بر اساس قوانین مدنی و مجازات اسلام جرم باشد، یک پدیده‌ی اجتماعی است که بیمارگونه، سفوه‌ی خود را در تمام جوامع پهن می‌کند، اما کمیت و کیفیت آن به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی وابسته است. شاید پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خراب کردن خانه‌ها و شهرک‌های فساد به نظر می‌رسید که نطفه‌ی فحشا در درون خفه شده و مجازات سنگین زنان و مردان مسئول آن شهرها منجر به ریشه‌کنی فحشا در ایران شده است. حال آن که گذشت ۲۶ سال، زمینه و بستری شد تا این آسیب اجتماعی بار دیگر حرکت خزنده‌وار خود را در میان زنان و مردان ادامه دهد.

اما طرح و بیان این بیماری اجتماعی در فرهنگ ملی ایران، خط قرمزی است که سیاست‌ها و برنامه‌های کلان کشور به خاطر حفظ شأن و قداست سیاست‌گذاران خود، از چاره‌جویی آن طفره می‌روند تا آن‌جا که منابع غیررسمی - که غالباً از میان پژوهشگران و

آسیب‌شناسان اجتماعی هستند - گهگاه خبر می‌دهند که "در سال ۱۳۷۹، روسپی‌گری ۶۰۰ درصد رشد داشته است" یا "بیش از ۸۴ هزار روسپی و ۲۵۰ خانه فساد در تهران فعالیت دارند" یا هشدار می‌دهند که "برخوردهای قهری با روسپیان و نگهداری آنان در سلول‌های مشترک با سایر زندانیان نه تنها راه مهار فحشا نیست که منجر به اشاعه بیش‌تر این بیماری خواهد شد."

کارشناسان مسائل اجتماعی در بیان علل و زمینه‌های گسترش پدیده فحشا در جامعه، دیدگاه‌های متفاوتی دارند. اما به طور عمده می‌توان به تأثیر فقر، تربیت خانوادگی، بیکاری، نوسان شرایط اقتصادی، بی‌سوادی و نبود آگاهی، اختلاف با همسر و فریب و اعتماد بی‌جا اشاره کرد، که البته این عوامل در بروز سایر انواع بزه در میان اقشار مختلف جامعه مؤثر خواهد بود.

به نظر می‌رسد با تأسیس و راه‌اندازی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی از سال گذشته، بستر مناسبی برای توجه به این گونه آسیب‌های اجتماعی فراهم شود، هرچند در بیان و تشریح مسئولیت‌های این وزارتخانه توجه اکید و مشخصی به آسیب‌های اجتماعی مانند فحشا و فرار دختران و زنان جوان دیده

نمی‌شود، اما رویکرد



ویژه‌ای به ساماندهی پدیده بچه‌های خیابانی و کار در شهرهای بزرگ، تأمین خدمات حمایتی احاد جامعه در قبال بروز یا تشدید معلولیت‌ها و آسیب‌های اجتماعی و تحت پوشش قرار دادن آسیب‌دیدگان در سه سطح پیشگیری، درمان و توانبخشی همواره با اجرای برنامه‌های آموزشی برای پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی از جمله مهم‌ترین نکات پیشنهادی سیاست‌گذاران در این وزارتخانه است. این در حالی است که بسیاری از کشورهای

غیرمسلمان چون با تاپو و خط قرمزی به نام فحشا روبه‌رو نیستند، به همزیستی مناسمت‌آمیز با این پدیده تن داده‌اند و در کنار آگاه‌سازی زنان از ریسک‌های موجود در روسپی‌گری، حمایت و تأمین اجتماعی ویژه‌ای برای آنان در نظر گرفته‌اند. امروز اکثر روسپیان در کشور ما، زنان بی‌سرپرست یا بدسرپرست هستند که در بسیاری موارد نبود آگاهی و اجبار خانواده عاملی در ورود آن‌ها به این بازار بوده است و چه بسیارند که در این بازار با انواع بیماری‌های مقاربتی، ضرب و شتم از سوی مشتریان مرد و خلف وعده در گرفتن دستمزد روبه‌رو هستند ولی قبح عمل آنان از سوی اجتماع تا آن جاست که نه تنها هیچ اتحادیه و سازمان غیردولتی جرات حمایت از حقوق آن‌ها را ندارد و نه سیاست‌های کلان جامعه، جایی را برای حمایت و احقاق حق این زنان باز می‌کند بنابراین با وجودی که همه می‌دانند واقعیتی به نام فحشا در ایران حیات دارد ولی هیچ مرجعی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد فارغ از ارزش‌های موجود (Value free) و به عنوان یک آسیب اجتماعی آن را بررسی کند.

و ۱۲۷ هزار نوجوان هم یا با اجبار یا توافق والدین خانه را ترک می‌کنند، از این تعداد سه چهارم دختر و یک چهارم پسر هستند.

در ایران هم دختران پیش‌تر از پسران فرار می‌کنند؟
توسط نیروی انتظامی، شهرداری یا بهزیستی از ترمینال‌ها و مراکز شهری جمع‌آوری می‌شوند، گزارش می‌دهند که ۸۰ درصد پسر و تنها ۲۰ درصد یا حتی کم‌تر دختر بوده‌اند در صورتی که اگر تحقیق شود، احتمالاً دختران بیش‌تر از پسران هستند، به طوری که در ایران روزی ۶۰-۵۰ دختر توسط نیروی انتظامی دستگیر می‌شوند که علت دستگیری‌ها و لگردی در خیابان و فرار از خانه است.

پس مثل سایر امور آمارها در مورد آسیب‌های اجتماعی مرتبط با زنان پنهان‌کاری می‌کنند؟

- آمارهای نیروی انتظامی این را نشان می‌دهد که تعداد دختران فراری در سال ۱۳۷۸ نسبت به سال ۱۳۶۵، ۲۰ برابر شده است. در سال ۱۳۸۰ حدود ۲۳۰۰ دختر فراری به وسیله نیروی انتظامی جمع‌آوری شد. در جای دیگر نیروی انتظامی اعلام کرد که در چهار ماهه آخر سال ۱۳۸۰، ۶۱۵۶ نوجوان فراری دستگیر شده‌اند که نسبت به سال ۱۳۷۸، ۱۰ درصد بیش‌تر بوده و متوسط سن این دختران ۱۶ سال اعلام شده است. این سن به کف سن فحشا که در کشور ۱۳ سال گزارش شده، نزدیک است، شاید به همین خاطر دختران فراری پس از این کار دیگر جایگاهی در خانواده‌شان ندارند.

اسدیبکی: البته تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که وضعیت خانواده این نوجوانان در فرارشان بی‌تأثیر نبوده است. آزار جسمی توسط پدر و برادر بزرگ‌تر، ناسازگاری با والدین یا ناپدیری و نامادری، رابطه نامشروع با دوست پسر و ترس از افشای این رابطه، ازدواج‌های اجباری، محدودیت در ایجاد رابطه با دوستان هم‌جنس، حس ماجراجویی و افسردگی از زندگی روزمره، همه این‌ها می‌تواند زمینه‌ساز برای فرار دختران باشد که نقش خانواده در آن بسیار پررنگ است.

گزارش‌های موجود از قانون‌اصلاح و تربیت نشان می‌دهد که دخترانی که با فرار دست به بزه زده‌اند، ۲۵ درصد برای بار دوم و ۲۵ درصد برای بار سوم از خانه فراری شده‌اند. کارشناسان مسائل اجتماعی به خانواده‌ها هشدار می‌دهند که اختلال در خوردن (پرخوری و یا کم‌خوری)، اختلال در خواب، اختلال در ارتباط با دوستان شامل گوشه‌گیری یا ارتباط بیش از حد با دوستان

نمایه گزاران نش:

- ✓ می‌توانیم همه ما فحشا را به عنوان یک آسیب اجتماعی ببینیم که قابل پیشگیری است.
- ✓ فرار دختران از جمله پدیده‌های اجتماعی است که نه تنها خانواده که مدرسه و رسانه‌های جمعی نیز در بروز آن مقصرند.
- ✓ بسیاری از قوانین دست و پاگیر در جامعه مانع فعالیت مؤثر سازمان‌های حمایت‌کننده از زنان است.
- ✓ تبلیغات گسترده‌ای در مورد وجود مراکز حمایت‌کننده از زنان و کودکان آسیب‌دیده انجام نمی‌شود.
- ✓ مسئولان و سیاست‌گذاران معمولاً زمانی به سراغ کارشناسان می‌روند که آسیب اجتماعی تبدیل به بحران شده باشد.
- ✓ با وجود تلاش سازمان بهزیستی در ارائه خدمات به زنان سرپرست خانوار، این کمک‌ها کفاف زندگی آن‌ها را نمی‌دهد و آنان در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند.
- ✓ شماره‌های ۱۲۳ و ۱۲۴۸ از سوی بهزیستی آماده ارائه خدمات اورژانسی اجتماعی و مشاوره به افراد در معرض آسیب است.
- ✓ والدین در هنگام فرار دخترانشان باید به نکات مهمی توجه کنند.
- ✓ کارشناسان بهزیستی به دلیل ضعف قوانین و اختیار نام پدر در ولایت فرزند قادر به انجام وظیفه نیستند.
- ✓ چهار مرکز مداخله دو بحران و دو مرکز اسکان موقت زنان پناهنده در تهران فعال است.

فرار مقدمه فحشا

آخرین گزارش‌های سازمان بین‌المللی مهاجرت نشان می‌دهد که خرید و فروش زنان و دختران سالانه هشت میلیارد دلار برای باندهای مافیایی درآمد دارد، به طوری که قاچاق زنان پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر، سومین قاچاق پردرآمد دنیا محسوب می‌شود. کارشناس دفتر آسیب‌دیدگان سازمان بهزیستی چندی پیش ضمن تأیید این خبر از رشد سالانه ۱۵ درصد دختران فراری در ایران ابراز نگرانی کرد. وی فرار کودکان ۸ تا نوجوانان ۱۷ ساله را از فنون همه‌گیر دانست و گفت: «در کشور ما نیز شیوع این پدیده در میان دختران شدت یافته، به طوری که سن فحشا را نیز به شدت کاهش

حسین اسدیبکی اواخر فصل بهار و فصل تابستان را بیش‌ترین زمان فرار دختران دانست که بیش از ۸۰ درصد آن‌ها سزا در صورت اجبار خانواده به بازگشت، از این کار خودداری می‌کنند و حاضر نیستند به جمع خانواده برگردند.

آمار دختران فراری در سال چقدر است؟
- آمار از تعداد دختران فراری در ایران نداریم و هر چه قدر که گفته می‌شود، بر اساس فرض و تخمین است که معمولاً سعی می‌شود آمارها کم‌تر از حد واقعی باشند. اما در ایالات متحده آمریکا آمارها شفاف‌تر است. در آمریکا سالانه ۲۵۰ هزار نوجوان از خانه فرار می‌کنند

و بریده شدن از اعضای خانواده است، حبس کردن خود در اتاق، افت نمرات درسی، پرسه زدن در خیابان ها و بالاخره پرخاشگری در محیط خانه و مدرسه و پس انداز کردن پول از مهم ترین نشانه هایی است که می تواند به فرار دختران و حتی پسران از خانه منجر شود.

اسدیگی، کارشناس آسیب دیدگان بهزیستی در این باره می گوید: "والدین با کارهای مثبت می توانند از فرار نوجوانانشان جلوگیری کنند، تشویق دختران نوجوان زمانی که کارهای مثبتی انجام می دهند و قدردانی از آن ها، پذیرش اشتباهات از سوی خودشان، صحبت و نشستن پای درددل دخترانشان و حفظ غرور و جلب اعتماد آن ها از رویگردانی دختران به سوی جامعه و فرار جلوگیری خواهد کرد."

برای پیشگیری از فرار دختران چه راه هایی را پیشنهاد می کنید؟

- به آن ها احترام بگذاریم و درکشان کنیم. موعظه و سخنرانی مناسب نیست، به دختران مان برجسب زنیم، همیشه صفات مثبت را به نوجوان مان نسبت دهیم، احساسات خود و دخترمان را به بحث بگذاریم و در موردش صحبت کنیم، به دختران مان مسئولیت بدهیم و برای کارهای خوبشان پاداشی در نظر بگیریم، با آن ها بحث و مشاجره نکنیم، گاهی والدین تصور می کنند وقتی دخترشان تهدید می کند "فرار می کنم" جدی نیست به او می گویند: "تمی توانی، که او جری تر می شود. اگر نوجوان عصبانی و خشمگین است صبر کنیم تا آرام و خونسرد شود. نوجوان نیاز به تماس چشمی و صدای ملایم دارد و باید بداند که وقتی به حرف هایش گوش می دهیم، دلیل بر این نیست که همه گفته هایش درست است، بلکه می خواهیم بداند به حرف هایش گوش می دهیم ولی دلیل بر موافقت با حرف های او نیست."

حالا اگر دختر نوجوانی فرار کرد، والدین باید چه اقداماتی انجام دهند و اگر برگشت چه کار کنند؟

به نظر من ابتدا دوستان، همسایه ها و اقوام و حتی کارکنان مدرسه را در جریان امر قرار دهیم، پنهان کاری و ترس از آبروریزی درست نیست، جاهانی را که نوجوان مان تمایل رفتن به آن جا دارد، بررسی کنیم. اتاق، کمد، میز تحریر و وسایل شخصی او را بازمینی کنیم تا سر نخ پیدا شود. دقت کنیم که چیزی گم شده یا نه مثل عکس، پول، لباس، چک بانکی، دفترچه بانکی و ... از مکالمات تلفنی انجام شده از طرف مخابرات پیریتی تهیه کنیم تا شاید نوجوان مان با شخص یا

اشخاص مشکوکی تماس برقرار کرده باشد، بیمارستان ها، ترمینال ها و مراکز عمومی شهر را بررسی کنیم و بالاخره با پلیس ۱۱۰ در قسمت گمشدگان ارتباط برقرار کنیم.

اما در صورت بازگشت، باید به دخترمان اطمینان بدهیم که امنیت و آرامش کامل خواهد داشت و وقتی برگشت عشق و علاقه خود را به او نشان دهیم و درباره عملش با او مشاجره نکنیم بلکه پای حرف و درددل او بنشینیم و اگر خودمان نمی توانیم از مشاوران متخصص کمک بگیریم، توجه کنیم که آیا دخترمان سلامت مانده و آسیب جنسی ندیده باشد.

دختران فراری در معرض چه آسیب هایی قرار دارند؟

- متأسفانه از بسیاری دختران فراری، استفاده های جنسی کوتاه مدت می شود یا طعمه قاچاقچیان انسان می شوند که در دنیای کنونی این پدیده بسیار زیاد شده و به آن برده داری نوین می گویند. زنان و دختران ربوده شده معمولاً از نقاط مختلف منطقه به کشورهای اروپای غربی

○ وقتی یک دختر از دواج می کند

و می خواهد از مملکت خارج شود، باید از شوهرش اجازه بگیرد و اگر شوهر بخواهد از مملکت خارج شود، زن باید تابع شوهر باشد و این یک مشکل است.



مشکل می شوند که از آن ها به عنوان وسیله برای برتری ممالک استفاده می کنند. این افراد در ایران به عنوان قاچاقچیان انسان شناخته می شوند و به کشورهای اروپای غربی می فرستند. این افراد در آنجا به کارهای سخت و طاقت فرسا می پردازند و حقوق کمی دارند. همچنین به آن ها دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی ندارند. این افراد معمولاً به مدت ۱۰ تا ۱۵ سال در آنجا می مانند و سپس به کشور خود بازمی فرستند. این افراد به عنوان قاچاقچیان انسان شناخته می شوند و به کشورهای اروپای غربی می فرستند.

می روند. عده ای هم از استان های مجاور پاکستان به این کشور برده و فروخته می شوند. بالاخره این که در دو سال گذشته این خبر در نشریات درج شد که ۵۰ دختر از پاکستان به ایران برگردانده شده و در مراکز بازپروری مشهد نگهداری شده اند.

شما چه راه حلی برای این مشکل دارید؟

در تمام آسیب های اجتماعی پیشگیری مهم تر از درمان است. باید از قبل مراقب بود تا مشکلی پیش نیاید. افراد باید به مکانیزم هایی مجهز باشند تا در صورت بروز مشکل بتوانند با آن مقابله کنند. متأسفانه والدین همان راه هایی را که خود در زندگی رفته اند و تجربه کرده اند به فرزندان شان منتقل می کنند. در حالی که نوجوانان نیازمند آموزش هستند و باید با آن ها در مورد بسیاری از مسائل شان صحبت کرد، مثل مسائل دوران بلوغ که معمولاً والدین در این زمینه آموزشی به فرزندان نمی دهند یا ممکن است از روی شرم چیزی نگویند. اما وقتی نوجوان با این مسئله روبه رو شد احساس خطر و ناامنی می کند و از کسانی که اطلاعات کم (و ناقصی) دارند، اطلاعات غلطی دریافت می کنند. پس اگر این گونه آموزش ها از طریق خانواده، مدرسه و رسانه های جمعی ارائه شود، از آسیب های اجتماعی پیش تری جلوگیری خواهد شد.

پیمان نامه ای برای قاچاق دختران

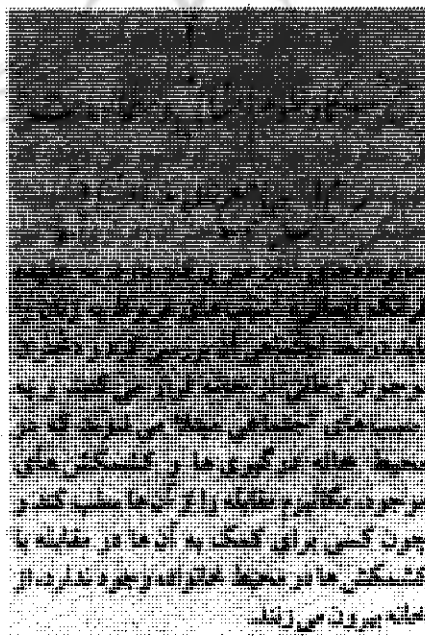
مسئله فرار دختران جوان به عنوان زمینه اشاعه فحشا و قاچاق آنان به سایر کشورها، تهدیدی برای بسیاری از کشورهاست تا آن جا که کشورهای مختلف کنوانسیون ها و پیمان نامه های متعددی را برای آن تهیه کرده اند، که اولین آن در سال ۱۹۲۱ و آخرین آن در سال ۲۰۰۰ به نام کنوانسیون "مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی" تدوین شده است. پروتکل انتقال غیرقانونی مهاجران و پروتکل قاچاق انسان را در همین سال ۱۳۲ کشور امضا کرده اند که ایران نیز با کمی تأخیر سال گذشته به آن پیوست.

یکی از تحقیقات انجام شده بر روی ۵۰ دختر فراری توسط یکی از کارشناسان ارشد علوم اجتماعی^(۱) این نتیجه را تأیید می کند که اغلب دختران فراری به خانواده هایی تعلق دارند که مادران محبت خود را به طور مشروط به فرزندان اعطا می کنند و پدر در خانواده آن ها نماد دولت است که نه تنها تکیه گاه عاطفی و اقتصادی دختران محسوب نمی شود که با استفاده از قدرت جسمی و مشروعیت قانونی و عرفی خود سعی بر اعمال نوعی سلطه بر آن ها دارد. همچنین



ممنوعیت های قانونی روبه روست، که اجازه نمی دهد کارشناسان بهزیستی یا مددکاران به خانه و حریم خصوصی افراد وارد شوند و از زنان آسیب دیده و تحت خشونت حمایت کنند. اگر زنی کتک خورده یا در معرض تهدید جانی به سازمان مراجعه کند، بخواهیم حتی یک شب او را نگه داریم، از نظر قانونی این اجازه داده نمی شود، مگر این که مأمور اداره سرپرستی مجوز صادر کند. در غیر این صورت به راحتی شوهر می تواند از کارشناس یا مددکار شکایت کند، یعنی قانون آن چنان حق را به مرد می دهد که در این زمینه جایی برای کار تخصصی وجود ندارد، در بسیاری موارد مشکل خانم ها در همان مرحله اول آسیب بدون با خبر شدن فامیل و خانواده اش، حل می شود. در حالی که آن قدر محدودیت وجود دارد که امکان استفاده زنان در معرض آسیب از امکانات بهزیستی بسیار پایین است.

این امر نمی تواند ناشی از ناآگاهی خود زنان هم باشد؟
ایمانی: خیر، اتفاقاً بعضی اوقات از ناآگاهی خانواده ها استفاده می کنیم تا بتوانیم مداخله کنیم، یعنی اگر خانواده ای بداند از نظر قانونی اجازه



همیشه بهزیستی را نیز مواجهه با آسیب های اجتماعی به خصوص دختران و زنان آسیب دیده چگونه ارزیابی می کنید؟
ایمانی: سازمان بهزیستی برای رویارویی با آسیب های اجتماعی مربوط به زنان با

دختران فراری که معمولاً از هوش و تحصیلات پایینی برخوردارند، قادر به استقلال خود نیستند و تحت تأثیر گرایش تسلیم جویانه در برابر پسران و مردان قرار می گیرند.

اما گذشته از نقش خانواده که در کاهش بزه و آسیب های اجتماعی در همه جوامع مؤثر است، از نقش سازمان های دولتی و غیردولتی در آموزش، ارتقای سطح آگاهی، حمایت های مادی و معنوی و نیز دخالت در بحران ها و آسیب های اجتماعی نباید غافل ماند. اگر چه وزارت نوپای رفاه و تأمین اجتماعی، توجه به آسیب های اجتماعی را در برنامه های خود گنجانده، اما این توجه هنوز در حد طرح مواد کلی در برنامه های پیشنهادی است و سازمان بهزیستی به عنوان یکه تاز پرسابقه در میان سازمان های دولتی کارشناسی، پیشگیری و حتا درمان آسیب های اجتماعی را بر عهده دارد، در حالی که گسترش آسیب های مرتبط با مسائل زنان و دختران به نوعی عملکرد گذشته این سازمان را مورد سؤال قرار خواهد داد.

ورود به خانه را نداریم، ممانعت می کند. حتی گاهی از ناآگاهی مردان نسبت به قوانین استفاده می کنیم تا بتوانیم از بچه ها یا خانم ها حمایت کنیم. این طور هم نیست که فکر کنید خانم ها نسبت به حق و حقوق خود کاملاً ناآگاه باشند. شاید اگر خانمی بداند که با یک ازدواج چطور خود را محدود می کند، هیچ وقت تن به ازدواج نمی دهد و این را به جرأت می گویم، برای این که وقتی یک دختر ازدواج می کند، چون از مملکت خارج شود، باید از شوهرش اجازه بگیرد و اگر شوهر بخواهد از مملکت خارج شود، زن باید تابع شوهر باشد و این یک مشکل است.

مشکل دیگر سازمان بهزیستی، مسائل مالی، تجهیزات و ... است. شما بودجه بخش آسیب های اجتماعی سازمان بهزیستی را با کمیته امداد امام خمینی مقایسه کنید، مثل قطره در مقابل دریاست. ما با چنگ و دندان مراکز بهزیستی را نگه داشته ایم.

بهزیستی از چه زنانی حمایت می کند؟
ایمانی: زنان کهنک خورده، خیابانی، مطلقه و دختران فراری

چه خدماتی به این زنان ارائه می دهد؟
ایمانی: در مورد دختران فراری و زنان روسپی، تلاش بر این است که از هم جدا نگاهداری شوند، دختران آسیب ندیده به خانه های سلامت و روسپیان حرفه ای به مراکز بازپروری فرستاده می شوند. ما آنان را تحت آموزش قرار می دهیم، برایشان کاریابی می کنیم و تا آن جا که بشود تلاش مادر بر گرداندن آنان به خانواده هاست و پس از بازگشت و ترخیص به وضعیت آنان نظارت خواهیم داشت. ضمن این که برخی از زنان مشکل شخصیتی و روانی دارند و به مراقبت های خاص نیازمندند.

عوامل گرایش یا ریشه آسیب های اجتماعی مرتبط با زنان چیست؟
ایمانی: به نظر من فقر.

بسیاری از زنانی که به بازپروری فرستاده می شوند، فرزندان دارند، با آن ها چه می کنید؟
ایمانی: متأسفانه ما از نظر قانونی هیچ حقی نداریم، یک بچه را از والدینش جدا کنیم، حتی زنی که بچه به بغل تکی می کند و یا در اطرافش سرگردان است، سازمان از ما

می خواهد که به وضعیت این بچه ها رسیدگی کنیم، ولی ما اصلاً حق قانونی نداریم، در حالی که پدر نسبت به بچه ولایت قهری دارد، بار معنایی این واژه آن قدر بالاست که حتی اگر این پدر یک شخص روانی باشد و مجنون بودنش از نظر پزشکی قانونی ثابت شود، باز هم ولایت از او سلب نمی شود و هیچ مؤسسه ای در جمهوری اسلامی ایران اعم از بهزیستی یا مراکز آن حق جدا کردن بچه را از پدر ندارند. حال در این شرایط اگر پدر فرزندش را بکشد، در حالی که دیه به او تعلق نمی گیرد، ما چطور می خواهیم از فرزندان حمایت کنیم؟

در مورد موقعیت جغرافیایی زنان آسیب دیده چه اطلاعاتی دارید؟
ایمانی: اگر می خواهید درباره تهران اطلاعات بگیرید باید به بهزیستی استان تهران مراجعه کنید.

وضعیت کنونی زنان روسپی در منطقه و کشور همسایه چگونه است، آیا در مورد ورود آن ها به خاک ایران اطلاعاتی دارید؟
ایمانی: اطلاعات در این زمینه چندان دقیق نیست ولی آنچه باعث تأسف است، این که به تازگی مطلع شده ایم شماری از زنان روسپی فیلیپینی و کره ای به مناطق پارس جنوبی میادین گازی وارد شده اند. در این مناطق کار مردان خوب است و چون همسر ندارند کنارش نیست، این زنان به آن جا مهاجرت کرده اند، ولی از وضعیت آن ها در کشور همسایه اطلاعاتی نداریم.

آگاهی مردم نسبت به فحشا چقدر است، برای حل این مشکل اجتماعی همکاری می کنید؟
ایمانی: مردم می دانند روسپی و روسپیگری چیست ولی دیدگاه آن ها با توجه به تنوع فرهنگی بسیار بد است، طوری که در شهر

تهران که به نظر فضای بازتری وجود دارد، بارها به مراکز حمایتی ما حمله شده و ما مجبور شده ایم آن مراکز را تعطیل کنیم. یعنی مردم مانعی برای حل این مشکل هستند؟

ایمانی: باور کنید که در بعضی اوقات در استان ها ناچاریم زنی را برای بازپروری به استان ها یا شهرهای همجوار منتقل کنیم چون اگر زنی با این عنوان در محل و مکانی شناخته شود مردهایی که اهل این روابط هستند آسایش برای آن زن نمی گذارند. حتی اگر آن زن بخواهد از این روابط دوری کند. مراکز ما به همین خاطر تابلو و نشانی ندارد تا اهالی محل ندانند در آن جا چه فعالیتی صورت می گیرد. مردم معمولاً به بچه ای که متعلق به زن روسپی است کمک نمی کنند، تا شاید در آینده شاهد بزهکاری آن کودک هم نباشیم. چون آگاهی مردم پایین است. مردم نمی دانند در جامعه ای زندگی می کنند که اگر کودکی به فساد کشیده شود، به مرور سایر افراد را هم فاسد خواهد کرد آن قدر که منجر به سرپوش گذاشتن خواهد شد

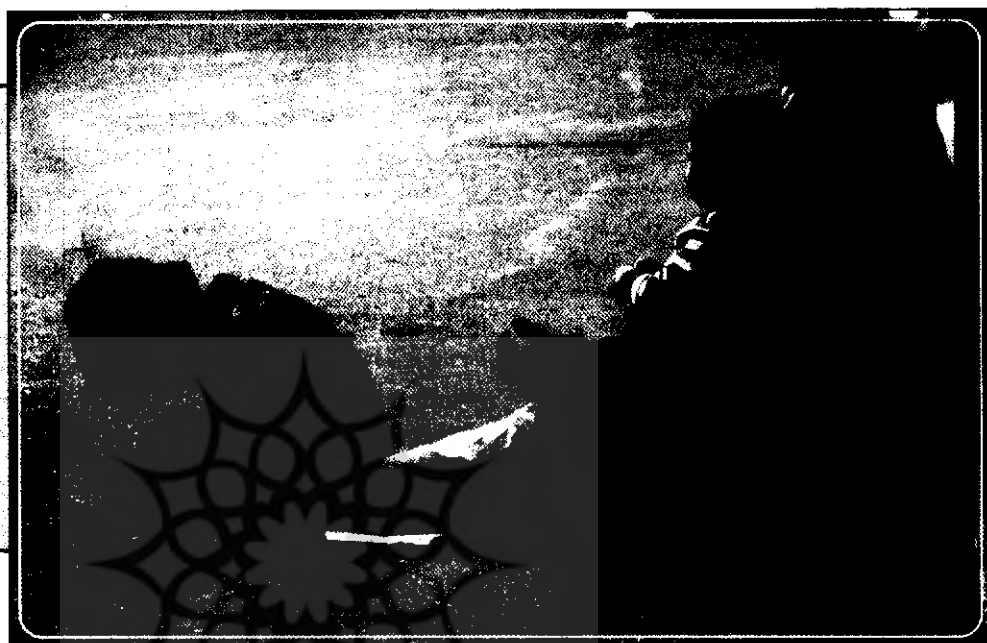
و گفتن این که اصلاً در جامعه ما فساد وجود ندارد.

الو، یک دو سه / ۱۲۳

سازمان بهزیستی در تلاش است تا با وجود امکانات ناچیز دولتی در حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی و به ویژه زنان، حمایت سازمان‌های غیردولتی را به خود جلب کند. تاکنون ۹۲ سازمان غیردولتی در سراسر کشور با سازمان بهزیستی مرتبط هستند ولی کارشناسان این سازمان همکاری این تعداد شرکت و سازمان خصوصی را برای حمایت از زنان آسیب دیده اجتماعی کافی نمی‌دانند.

مرکز که کودک‌آزاری‌ها را شامل آزارهای جسمی، جنسی و روانی بر کودکان ثبت و از کودکان آزار دیده حمایت می‌کند از سال گذشته شماره‌اش به ۱۲۳ تغییر داده و در حال حاضر با پنج کابین و کارشناسان مددکاری و روان‌شناسی به طور ۲۴ ساعته خدمات ارائه می‌کند.

بر اساس این گزارش، ۱۲۳ تاکنون پرونده‌های مربوط به همسرآزاری را هم بررسی کرده و با اولین تماس آسیب دیدگان یا اطرافیان آنان، بلافاصله مددکار به محل اعزام می‌کند، در صورت صحت کودک یا همسر آزاری، پی‌گیری قانونی و قضایی آن آغاز می‌شود و اورژانس



○ در حال حاضر زنان ۱۸ تا ۶۰ سال می‌توانند به مدت حداقل ۲۰ سال با سرمایه‌گذاری ماهانه ۵۰ هزار ریال تحت پوشش بیمه زنان خانه‌دار قرار بگیرند.

اجتماعی به عنوان شاکی خصوصی گزارشی را تهیه و به نزدیک‌ترین کلانتری ارائه می‌کند.

هم‌اینک استان تهران از خدمات چهار مرکز مداخله در بحران بهره‌مند است و شهرستان‌های کرج و ورامین نیز مراکز خاص خود را دارند. با وجود این، تعداد کارکنان حرفه‌ای این مراکز ناچیز است و برای انجام فعالیت‌های تخصصی نمی‌توان به نیروی اندک متخصص و اعتبارات ناچیز آن متکی بود.

مراکز اورژانس اجتماعی در تهران عبارتند از:

◀ منطقه تهران شمال - تجریش - خیابان دربند - خیابان شهید زمانی - کوچه نشانه - مرکز هاجر

تلفن: ۲۲۷۱۳۷۸۷-۲۲۷۰۱۲۶۶

مسئول: دکتر نصر، ارائه خدمات به صورت سرپایی و نگهداری

◀ منطقه تهران جنوب - شهر ری - شهرک دولت آباد - نرسیده به

فلکه سوم - خیابان بهمن - جنب مدرسه شهید مطهری

تلفن: ۳۳۷۴۱۴۹۷-۳۳۷۴۰۷۳۰۴

مسئول: دکتر نفری، ارائه خدمات سرپایی و نگهداری

◀ منطقه تهران شرق - خیابان ۱۷ شهریور - اتوبان شهید محلاتی - ضلع جنوب غربی - مرکز نواب صفوی

تلفن: ۳۳۷۱۷۶۷۵-۳۳۷۰۰۰۸۸

مسئول: خانم حسینی، ارائه خدمات سرپایی

◀ منطقه تهران غرب - جاده ساوه - بلوار یافت آباد - پشت

تولید دارو - ۲۰ متری تختی - مرکز ذوالفقاری

تلفن: ۶۶۴۷۹۶۹۹-۶۶۶۹۲۸۰۰

با وجود گذشت شش سال از فعالیت اورژانس اجتماعی ۱۲۳ هنوز بسیاری از خانواده‌ها از فعالیت این مرکز بی‌اطلاعند. اورژانس اجتماعی یا مرکز مداخله در بحران‌های اجتماعی، از دختران فراری و زنان در معرض آسیب هم‌حمایت می‌کند. در این مرکز به جز افرادی که خود معرف هستند و خودشان برای کمک گرفتن مراجعه می‌کنند، عده‌ای از سوی مراجع قضایی معرفی می‌شوند که می‌توانند ۲۰ تا ۴۰ روز در این مرکز اسکان یابند. در مرکز اورژانس اجتماعی گروه تخصصی از مددکاران، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و در صورت نیاز مشاوران حقوقی فعالیت و بیش‌ترین مراجعان مرکز را زنان و دختران جوان تشکیل می‌دهند. از مهم‌ترین اقدامات مرکز حفظ خانواده‌ها و بازگرداندن آسیب‌دیدگان به کانون خانواده‌شان است. ولی اگر این امکان فراهم نشد برای اقامت طولانی‌تر افراد به خانه سلامت، مراکز بازپروری یا مرکز ارشاد که مرکزی برای افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی است فرستاده می‌شوند تا از بروز رفتارهای ناهنجار و فردی جلوگیری شود.

کم نیستند زنانی که به عنوان سرپرست خانوار برای کارپایی به اورژانس اجتماعی مراجعه می‌کنند و می‌توانند تا شش ماه تحت سرپرستی مددکاران مرکز باشند تا به استقلال مالی برسند. علاوه بر این، کارشناسان ۱۲۳ از حقوق کاری زنان سرپرست خانوار نیز حمایت می‌کنند، چرا که بیش‌تر این زنان، تخصص و تحصیلاتی پایین دارند و مددکاران مرکز حقوق کاری آن‌ها را پیگیری خواهند کرد.

علاوه بر ارائه کمک به زنان آسیب‌دیده یا در معرض آسیب، اورژانس‌های اجتماعی سه سال است که خط تلفن کودک را با شماره ۳۳۷۱۱۱۱۱ راه‌اندازی کرده‌اند که تاکنون ۸۰ پرونده کودک‌آزاری در آن بررسی شده است، این

در برابر باد

گروه همیاری غیردولتی به فعالیت می پردازند.

این مسئول در سازمان بهزیستی از اعطای وام اشتغال به زنان سرپرست خانوار سخن می گوید: تسهیلات وام طبق قانون، زمانی به مددجویان پرداخت می شود که دوره های آموزش فنی - حرفه ای را گذرانده و مدرک دریافت کرده باشند. بازپرداخت اقساط وام نیز حداقل شش ماه پس از شروع کار، آغاز می شود. علاوه بر این برای تأمین مسکن این خانواده ها، یک میلیون تومان با اولویت بندی نیاز این زنان در نظر گرفته شده است اما دریافتی ماهیانه (مستمری) آنان نمی تواند پاسخگوی نیازهایشان باشد. با این حال اعتباری بالغ بر یک میلیارد و ۵۰۰ هزار تومان برای تهیه مسکن زنان سرپرست خانوار تخصیص داده شده است.

بیمه ای برای خانه دارها

صندوق ذخیره ارزی در اواخر سال ۱۳۸۳، اعتباری معادل ۴۰ میلیارد تومان را برای حمایت از زنان سرپرست خانوار اختصاص داده است و قرار است این رقم در سال آینده به ۸۰ میلیارد تومان افزایش یابد. به همین منظور طرح بیمه زنان خانه دار که از سه سال گذشته زمزمه می اجرای آن از سوی مرکز امور مشارکت زنان و سازمان بهزیستی اعلام شد با قوت بیش تری به حیات خود ادامه می دهد. در حال حاضر زنان ۱۸ تا ۶۰ سال می توانند به مدت حداقل ۲۰ سال با سرمایه گذاری ماهانه ۵۰ هزار ریال تحت پوشش بیمه زنان خانه دار قرار بگیرند. اگر در طول این سال ها، دچار بیماری یا فوت همسر شوند، می توانند از مزایای مالی طرح استفاده کنند. با این حال مدیرکل دفتر امور زنان بهزیستی عقیده دارد که اعتبارات اختصاص یافته نمی تواند از عهده تأمین نیازهای زنان خانه دار و سرپرست خانوار برآید و باید از کمک های غیردولتی بهره برد.

بر اساس این گزارش، از مجموع اعتبارات نقدی سازمان بهزیستی تنها پنج درصد آن توسط مردم تأمین می شود و بیش تر کمک ها غیرنقدی است.

اسکان موقت زنان تحت خشونت

مرکز اسکان موقت زنان تحت خشونت نیز از جمله مراکزی است که شاید هیچ زنی که روزانه تحت خشونت خانگی قرار می گیرد از وجود چهار ساله ی آن مطلع نیست، این امر ناظر بر دیدگاه مسئولان سازمان های

زنان سرپرست خانوار که طی سال های اخیر توجه مطبوعات و سایر رسانه های جمعی را در تأمین نیازهای زندگی به خود جلب کرده اند، امروزه تعدادشان به بیش از ۴۵۰ هزار نفر می رسد، یعنی ۱۲۰ هزار خانوار با سرپرستی زنان به بقا ادامه می دهند. با توجه به شرایط اجتماعی امروز که چه در عرصه بازار اشتغال و کسب درآمد زنان را نیازمند مردان می بیند و در خانواده و سایر حیطه های اجتماعی زنان را زیر سایه پدران، همسران و برادران دارای هویت می داند، این زنان سطح آسیب پذیری بالایی دارند. به همین خاطر این روزها رسانه های جمعی در تلاشند تا نظر مسئولان و برنامه ریزان را به رفع نیازهای اقتصادی و پاسخ به مطالبات اجتماعی آنان وادار کنند.

اگر فقر و بدسرپرست بودن دختران را یکی از عوامل رویکرد به فحشا بدانیم، در فضایی که عدالت جنسیتی در قلمرو اقتصاد، سیاست و اجتماع کم رنگ است، حمایت های معنوی و مادی از این زنان ضروری است. به همین منظور سازمان بهزیستی کشور نیز تنها سازمان دولتی است که مسئولیت توانمندسازی زنان سرپرست خانوار را بر عهده دارد. سرپرست دفتر امور خانواده و زنان بهزیستی در این زمینه به اقدامات دفاتر امور کودکان، امور زنان و خانواده و سه دفتر امور شبه خانوار اشاره می کند و می گوید: "اولین فعالیت برای حمایت مددجویان این دفاتر از طریق مددکاران صورت می گیرد. کمک ها به صورت اعطای کمک های مستمر نقدی و کمک های غیرمستمر مانند ودیعه مسکن، کمک هزینه ازدواج، اشتغال و آموزش است."

پرویز زارعی اضافه می کند: "حداقل حقوق این زنان ماهانه ۳۱ هزار و ۸۰۰ تومان و بسیار ناچیز است و در سبد غذایی این خانواده ها به طور سالانه اقلامی چون ۵۰ کیلو برنج، چهار حلب روغن و پنج کیلو پنیر برای یک خانواده پنج نفره در نظر گرفته شده است."

با توجه به امکانات ناچیز بخش دولتی، در حمایت و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، مدتی است بخش های غیردولتی و گروه های همیار فعال شده اند، زارعی توضیح می دهد: از سال گذشته اجازه داده شده کلینیک های مددکاری تأسیس شوند و در حال حاضر ۶۰ کلینیک در کشور فعال است. با برگزاری دوره های آموزشی کاملاً تخصصی و حضور مددکاران در این مؤسسات غیردولتی، کلینیک ها، مهارت های لازم را به زنان سرپرست خانوار آموزش می دهند. همچنین در حال حاضر پنج هزار نفر در قالب ۴۵۰



شاید هیچ زنی که روزانه تحت خشونت خانگی قرار می گیرد از وجود چهار ساله مرکز اسکان موقت زنان تحت خشونت بهزیستی مطلع نیست.

حمایت کننده همچون بهزیستی است که خواستار پنهان ماندن مکان این مراکز هستند، تا پناه بردن زنان به چنین مراکزی به عادت تبدیل نشود.

این دیدگاه سنتی که تأمل و صبر زنان را در هنگام اعمال خشونت بر خود تحسین می کند؛ غالباً با بهبود امکانات و اعتبارات لازم توجیه می شود در حالی که مراکز اسکان موقت زنان تحت خشونت مخصوص زنان و دخترانی است که با عصبانیت و دلتنگی از منزل خود خارج می شوند تا به آرامش برسند و قدرت تشخیص پیدا کنند و از خطرات احتمالی و تصمیم های پرخطر به هنگام عصبانیت خودداری کنند. در حال حاضر دو مرکز در تهران واقع در خیابان نواب و شرق منطقه نارمک تهران و نیز ۲۸ مرکز در شهرستان ها فعال است.

ارائه خدمات مشاوره ای و حقوقی، برقراری ارتباط با بستگان زنان، ارائه خدمات رفاهی و بهداشتی، آموزش مهارت های شغلی برای توانمندی زنان از عمده ترین رسالت ها در ۳۰ مرکز اسکان موقت زنان در کشور است. ضمن این که زنان پناهجو می توانند از حمایت های اقتصادی، مراکز شامل وام اشتغال، کمک مالی بلاعوض، کمک هزینه ازدواج و تحصیل و کمک بلاعوض و دیعه اجاره مسکن از سوی مراکز اسکان موقت بهزیستی بهره مند شوند.

این جا ۱۲۸؛ صدای مشاور، بفرمایید ...

مرکز جامع مشاوره بهزیستی با ارائه بخش ویژه صدای مشاور طی ۱۲ سال اخیر، اطلاعات و راهنمایی ها و مشاوره تلفنی به متقاضیان ارائه می دهد و کارش را تنها با دو خط تلفن آغاز کرد. اکنون در این مرکز ۱۲ خط تلفن و ۱۰۰ مشاور که تحصیلات عالی دارند در زمینه های حقوقی، تحصیلی، تربیتی، زناشویی و بین فردی و ... از ۸ صبح تا ۱۰ شب ارائه می دهند. افراد می توانند با تماس تلفنی ۱۴۸ مسائل و مشکلات خود را مطرح کنند و مشاور در فرایند دوره ای ابتدا گوش می دهد و بعد اطلاع رسانی اولیه و سپس عملیات مشاوره آغاز می شود. تماس ها نیز حداکثر بین ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می کشد، در صورت نیاز افراد به مراکز مشاوره حضوری ارجاع داده می شود. هم اینک ۱۰ مرکز مشاوره مورد تأیید سازمان بهزیستی در استان تهران فعالند که شمار این مراکز در حال افزایش است.

مسئولان صدای مشاور اذعان می کنند که تعداد تماس های این مشاوره در روز به سه هزار نفر هم می رسد و با توجه به مشکلات موجود صدای مشاور تنها به ۱۰ درصد تماس ها پاسخ داده است.

ششم مطرح شد؟ دلیل آن چه بود؟

- نمایندگان هنگامی که دریافتند قانون مذکور به علت نداشتن اعتبار اجرا نمی شود، تصمیم گرفتند طرح جدیدی را با عنوان "طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار" به مجلس پیشنهاد دهند. اگرچه این طرح هم با همکاری بهزیستی تدوین شد و شامل سه مرحله توانمندسازی، برنامه و پایش و پیگیری بود، اما موضوع مهم آن مسئله اعتبار و بودجه بود که باید مورد توجه قرار می گرفت و گرنه مانند قانون سابق، متروک می ماند.

گرامی زادگان ادامه داد: "طرح، توانمندسازی عبارت است از فراهم کردن امکانات لازم به منظور بهبود و ارتقای وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی روانی، جسمانی و آموزشی جمعیت هدف؛ که این جمعیت هدف زنان سرپرست خانوار هستند. به عنوان نمونه، خدمات اقتصادی و مالی شامل سه بخش بود که پرداخت کمک هزینه زندگی مستمر به زن سرپرست خانوار و فرزندان و خانواده و سایر اعضای تحت تکفل از مهم ترین آن است. پرداخت کم هزینه به صورت موردی و در موارد خاص و اعطای تسهیلات اعتباری با اولویت سرپرست خانوار و نرخ سود حمایت شده (یارانه ای) از طریق سیستم بانکی در زمره ی آن است.

البته یادآور شوم که مرحله دوم توانمندسازی شامل برنامه ها، اقدامات، خدمات آموزشی، حرفه آموزی، اشتغال، کارآفرینی و کاریابی زنان سرپرست خانوار و آموزش مهارت های زندگی و زناشویی به اعضای در سن ازدواج، است."

چگونه می توان حمایت از زنان سرپرست خانوار را محقق کرد تا به آسیب ها نرسیم؟

- به نظر من قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست با توجه به داشتن آیین نامه اجرایی و دستورالعمل قابل اجرا بوده و سریع تر ما را به اهداف مندرج در قانون می رساند به شرط آن که تخصیص اعتبار به آن با جدیت و تلاش بیش تری ممکن شود. اگر آن قانون اجرامی شد نیاز به طرح دوباره طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار در مجلس ششم نبود. اکنون نیز این طرح در مجلس هفتم مسکوت مانده است. البته با توجه به شرح وظایف وزارت رفاه، به نظر می رسد قانون سابق به عنوان تنها قانونی که به این قشر از زنان توجه داشته است، قابل اجرا می باشد.

در صورت اجرای کامل این قانون، می توان امید بست که این زنان حمایت شده از آسیب در امان بمانند و در حمایت مراکز و سازمان های دولتی مسئول، به

و شاید به خاطر کمبود متخصصان مشاور در این مرکز، تبلیغات عمده ای بر روی آن صورت نگرفته است، ولی بیش از ۶۰ شهرستان نیز از تلفن صدای مشاور خاص استان خود بهره مندند.

امروز آسیب، فردا بحران

قانون، ضرورت نگاه به زنان بی سرپرست را از اصل ۲۱ قانون اساسی دریافت کرده و به آن اهمیت داده است. این اصل دولت را موظف می کند که حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و در بند ۴ آن به صراحت از ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست نام برده است.

اشرف گرامی زادگان، حقوقدان ضمن بیان مطلب فوق می گوید: "بر مبنای بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی، قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست در ۱۰ ماده در تاریخ ۱۳۷۷/۷/۲۴ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. آیین نامه اجرایی آن در ۱۳۷۵/۵/۱۱ در هیئت وزیران مصوب شد و دستورالعمل حمایتی آن نیز در تاریخ ۱۳۷۵/۵/۱ به تصویب ریاست سازمان بهزیستی رسید.

علی رغم زمانی که برای اجرایی شدن این قانون صرف شد متأسفانه به علت نبود اعتبار کافی، این قانون نتوانست برای زنان سرپرست خانوار مفید و کافی باشد."

چرا طرح توانمندسازی زنان در مجلس

زندگی مناسبی دست یابند؟

اجرای مرحله ای توانمندسازی با توجه به کثرت زنان سرپرست خانوار باید به نحوی صورت گیرد که مستمری ها، کفاف زندگی آنان را بدهد ضمن آن که باید به مسئله اشتغال و کارآفرینی توجه خاص شود تا این زنان و خانواده آنان به مرور به مرحله خودکفایی برسند.

چنانچه عضوی از اعضای جامعه؛ رفتاری از خود نشان دهد که با هنجارهای موجود آن جامعه همخوانی نداشته باشد، می توان از آن رفتار به بروز آسیب های اجتماعی تعبیر کرد. **دکتر ناهید مطیع** - جامعه شناس و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - ضمن بیان این تعریف از آسیب های اجتماعی، نگاه انتقادآمیزی به سازمان بهزیستی و عملکرد آن نسبت به زنان سرپرست خانوار دارد، چرا به عقیده ی وی، با این مستمری بسیار ناچیز، بهزیستی نمی تواند ادعای حل مشکلات زنان خانه دار را داشته باشد. مطیع می گوید: کمیته امداد امام خمینی در بسیاری موارد به زنان سرپرست خانوار کمک می کند و در قالب آموزش به این زنان علاوه بر کلاس های خاص، به فرض چرخ خیاطی می خرد تا آن ها بتوانند مخارج شان را تأمین کنند. اما آنان نمی دانند که زنان زمانی می توانند درآمد کسب کنند که صاحب مهارت های مورد نیاز جامعه باشند تا مهارت شان را بفروشند و اگر قرار باشد این تفکر، که زنان باید به خیاطی، گلدوزی و ... بپردازند حاکم باشد، کالاهای زنان خریداری نخواهد داشت.

وی با اشاره به بندی از برنامه چهارم توسعه که بر توانمندسازی زنان تأکید دارد، می گوید: "زنان باید مهارت هایی بیاموزند که هزینه های بهزیستی و کمیته امداد را جبران کند، در حال حاضر باید کمبودهای هر منطقه شناسایی و بر آن اساس به زنان مهارت آموخته شود و گرنه فایده ای ندارد که زنی خیاطی کند و انتظار کسب درآمد داشته باشد در حالی که در همان منطقه چند خیاط دیگر هم وجود داشته باشد."

وضعیت دختران در جامعه ایران؟

به گفته برخی از کارشناسان دانشگاهی، وقتی آسیب اجتماعی به بحران تبدیل می شود به کارشناسان می گویند چه باید بکنیم، حال آنکه کارشناسان از مدت ها قبل هشدار داده اند که نتیجه بعضی از برخوردها چه عواقبی خواهد داشت؟ به نظر من در حال حاضر وضعیت

مکانیزم های دیگری است که باید به نفع دختران و پسران در معرض آسیب تغییر کند. از طرف دیگر خانواده ها باید آموزش ببینند، چرا که ادامه این وضعیت بحران و شاید آشوب به پا کند.

برای جلوگیری از اعمال خشونت علیه زنان هم، همین مکانیزم ها را پیشنهاد می کنید؟

- باید مکانیزم های قوی وجود داشته باشد، یعنی به جای این که تلویزیون دائمآفک نمکی را تبلیغ کند، بگوید: "فلان مرکز با فلان تلفن در خدمت شماست، اگر چنین و چنان رفتاری علیه شما اعمال شد تماس بگیرید و به مردم اطمینان دهید که اسرارشان در این مراکز فاش نخواهد شد. ما در سطح شهر به بیلبوردهای ضد خشونت نیازمندیم. خیلی از مردم از مراکز حمایتی موجود باخبر نیستند، چون اطلاع رسانی نشده است. از سوی دیگر برای یک شهر ۱۲ میلیون نفری مثل تهران وجود یک مرکز (۱۴۸) در میان این همه آسیب اجتماعی، کافی نیست.

کشور ما به لحاظ نیروی متخصص مشاور و روان شناس مشکلی ندارد و تمام این متخصصان می توانند به طور ۲۴ ساعته در خدمت مراکز بهزیستی باشند. یادمان نرود که بسیاری از خشونت ها و آسیب ها در میانه شب یعنی زمانی که بسیاری از مراکز حمایتی تعطیل است، اتفاق می افتد.

سال هاست که برای حمایت از آسیب دیدگان اجتماعی، بهزیستی از تنگناهای مالی می گوید و سازمان ها و انجمن های غیردولتی از نبود حمایت های دولت، در این میان زنان آسیب پذیر (بی سرپرست و بدسرپرست و سرپرست خانوار) تن به قضا و قدر سپرده اند تا شاید یک روز برنامه ریزی های کلان دولت و سیاست های نظام، جایی را برای آن ها باز کند و مسئله زنان را جدی تر ببیند. سال هاست که فحشا و فرار بر پیکره ی جامعه چنبره زده و ما هنوز به فکر کتمان آن هاییم، ما آن ها را نمی بینیم و با دیدن آن ها شانه بالا می اندازیم و مسئله شان را به خودشان وامی گذاریم، چرا که آن ها خود باعث عمل شان هستند و "باید" مجازات شوند. زنان قربانیان آسیب های جامعه اند، آن ها را جدی نگیریم، خود رو به احتضار خواهیم رفت.

پانوشت:

۱. معصومه رستم خانی، روزنامه توسعه ۸۲۷/۶، ص ۹.